

نقدِ یک طبع آزمایی شاعرانه

(التزام شتر حجره)

خالق‌زاده، محمدهادی^۱

چکیده

التزام یکی از شگردهای ادبی است که به اعتقاد منتقدان هم می‌تواند زیبایی بیافریند و هم باعث تفنّن و تصنّع افراطی گردد. التزام مورد نظر در این پژوهش تکرار یک یا دو کلمه در هر بیت یا مصراع است که شاعر از آغاز تا پایان غزل، قصیده یا قطعه، خود را ملزم به ذکر آن کند. محققین پیشین نوشته‌اند "شتر حجره"، نام قصیده‌ای از کاتبی ترشیزی که در هر بیت دو کلمه مستبعد "حجره" و "شتر" را التزام کرده است و بسیاری از شعرا او را تقلید و تتبع نموده‌اند، اما واقعیت آن است که پیش از کاتبی نیز این نوع طبع‌آزمایی شاعرانه، با دو واژه ناسازگار با یکدیگر مانند "شتر" و "حجره" سابقه داشته و شعرای بسیاری تا عهد قاجار و پهلوی ذوق خود را تحت شکنجه التزام‌های دشواری مانند این قرار داده‌اند. در پژوهش حاضر که به صورت کتابخانه‌ای انجام شده، این پژوهشگر با این پرسش روبرو شد که در این التزام‌های دشوار کدامین شعرا تتبع کرده‌اند و چه کلمات دیگری تا عهد قاجار و پهلوی به آن افزوده شده است؟
واژه‌های کلیدی: التزام، شتر، حجره، کاتبی، خواجوی کرمانی

مقدمه

التزام یکی از آرایه‌های بدیعی است که شاعر خود را ملزم می‌کند که حرف، کلمه یا کلماتی را ذکر یا حذف نماید که البته التزام مورد نظر در این پژوهش تکرار یک یا دو کلمه در هر مصراع یا بیت است که شاعر از آغاز تا پایان غزل، قصیده یا قطعه، خود را مکلف به ذکر آن کند. از آنجا که خلق معانی متعدد در هر بیت یا مصراع با استفاده از یک یا چند کلمه از عهده هر شاعری بر نمی‌آید این کار نوعی آزمون حرفه شاعری شمرده می‌شده است، به زبانی دیگر «اعنات یک نوع هنرنمایی است که در اشعار مصنوع جا دارد و از همین روست که گفته‌اند زیبا عبارت است از امر دشوار» (زرین‌کوب، ۱۳۸۸: ۹۸) آری شاعران کهن، به‌ویژه در دوره انحطاط ادبی، زیبایی را با دشواری گره زده بودند. التزام کلمه آن هم در سرودن قالب قصیده با ابیات زیاد، بسی دشوارتر بوده است، به همین سبب شاعران هم خود را با این‌گونه التزامها محک زده‌اند و هم دیگران شاعران را با این فن آزموده‌اند. این پژوهشگر در این مقاله، با این پرسش روبرو شد که در این التزامهای دشوار کدامین شعرا تتبع کرده‌اند و چه کلمات دیگری تا عهد قاجار و پهلوی به آن افزوده شده است؟

پیشینه پژوهش

درباره موضوع این تحقیق، کار جامع و مستقلی تا به حال صورت نگرفته است؛ اما آثاری در علوم بلاغی به‌ویژه کتب بدیعی نوشته شده است، اما در مورد "التزام" به صورت جداگانه، مقالاتی توسط پژوهشگران نگارش شده است که به برخی از آن‌ها در زیر اشاره می‌شود:

نازنین غفاری، محمدصادق بصیری و محمود مدبری با نگارش مقاله «التزامی نو در شعر میرزا کاظم طبیب یزدی» (۱۳۹۷) که در مجله فنون ادبی منتشر شده است بیان می‌کند که از ۱۶۵ غزلی که در دیوان میرزا کاظم طبیب یزدی وجود دارد، ۱۲۸ غزل با رعایت التزامی خاص شکل گرفته و آن چنین است که تمامی ابیات یک غزل با یک حرف واحد آغاز شده است. بهمین مدیری در جستاری تحت عنوان «زیبایی و آراستگی کلام خواجه‌ی کرمانی در تطبیق با نگاره‌های نسخه مصور دیوانش» (۱۴۰۱) به قصیده خواجه‌ی کرمانی که در آن التزام "شتر و حجره" دیده می‌شود اشاره نموده است. رحمان ذبیحی با همکارانش مقاله‌ای نگاشته‌اند با عنوان «تأثیرپذیری ابن‌حسام خوسفی در قصیده و غزل، از شاعران سبک خراسانی و عراقی» (۱۳۹۲) که در آن از اقتباس ابن‌حسام از کاتبی نیشابوری سخن رانده‌اند. علی محمدی در مقاله «بدعت التزام در غزل‌های سعدی» (۱۳۹۰) التزام در اشعار سعدی را بررسی نموده است. علی‌اکبر خان محمدی و همکارانش «طرز سخن خواجه» (۱۳۷۰) را نوشته‌اند و در بخشی از آن به التزام در اشعار خواجه اشاره کرده‌اند. با این وجود اثر مستقلی در مورد بررسی التزامهای دشواری مثل شتر حجره در شعر شاعران یافت نشد.

بحث و بررسی

التزام یا اعنات

التزام یکی از شگردهای ادبی است که به اعتقاد منتقدان هم می‌تواند زیبایی بیافریند و هم باعث تفنّن و تصنع افراطی گردد. به اعتراف منتقدان کهن که اهمیت معنا برای آنان بیشتر از لفظ بوده، این صنعت تفنّن محسوب می‌شده و اهمیت زیادی به آن نمی‌دادند تنها به جهت ذکر این آرایه در قرآن کریم، نمونه‌هایی از آن را ذکر می‌کرده‌اند. دانشمندان بلاغت فارسی اغلب از یک، دو یا هر سه عنوان

"التزام"، "اعنات" و "لزوم ما لایلزم" نام برده‌اند و مؤلف انوارالبلاغه علاوه بر این اسامی به دو نام "تضمین" و "تشدید" و جرجانی به "تضییق" و "تشدید" اشاره دارند (مازندرانی، ۱۳۷۶: ۳۶۸؛ جرجانی، ۱۳۷۰، ج: ۱، ۱۴؛ به نقل از: غفاری و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۵) نام این صنعت، در متن‌های عربی و فارسی، بیشتر اعنات بوده است. اعنات به گفته شمس قیس، «خود را در کاری دشوار افکندن باشد» (شمس قیس، ۱۳۶۰: ۳۸۴) هم او می‌نویسد: شاعران ایرانی، یا به قول او «عجم»، این آرایه ادبی را «لزوم مالایلزم» می‌گفتند. اعنات آن است که «شاعر حرفی یا کلمه‌ای که التزام آن واجب نباشد، التزام کند و در هر بیت یا مصراع، مکرر گرداند» (همان‌جا)

خطیب قزوینی در تلخیص البلاغه که تلخیص مفتاح‌العلوم سکاکی است، می‌گوید: «و مِنْهُ لُزُومٌ مَا لَایلِزُومٌ وَ هُوَ أَنْ یَجِیَّ قَبْلَ حَرْفِ الرَّوِیْ أَوْ مَا فِی مَعْنَاهُ مِنَ الْفَاصِلِ مَنْ لَیْسَ بِاللَّزِیْمِ فِی السَّجْعِ» (خطیب قزوینی، ۱۹۹۷م: ۱۰۸)؛ یعنی از مصداق‌های دیگر (بدیع لفظی)، لزوم مالایلزم است که پیش از حرف روی بیاید یا پیش از حرفی که آن حرف در معنای روی آمده است، به گونه‌ای که در سجع وجودش لازم نباشد. مثال سکاکی این آیه قرآنی است که پس از او در بسیاری از متن‌های دیگر، بدون ارجاع به اصل، تکرار شده است: «فَأَمَّا الْیَتِیْمَ، فَلَاتَقْهَرْ وَ أَمَّا السَّائِلَ فَلَاتَنْهَرْ» (ضحی / ۹ و ۱۰) تفتازانی در شرح تلخیص، از نام‌های دیگر این صنعت، یاد می‌کند (تفتازانی، ۱۴۲۶: ۲۹۸) مثال‌هایی هم که در آثار بلاغی به زبان فارسی آمده است، بیشتر همان مثال‌هایی است که شمس قیس آورده است؛ مثل «سنگ و سیم» در شعر سیفی نیشابوری، «سنگ و زر» در شعر امیر محمود قمر، «آفتاب و ذره» در شعر فخرالدین مبارکشاه غوری و التزام دو قافیه در شعر رشید و طواط، از جمله نمونه‌هایی است که شمس قیس ارائه می‌دهد (همان: ۳۸۶)

بدعت نجف‌قلی میرزا در "درّه نجفی" این است که اعنات در قافیه را با مبحث تکرار جدا می‌کند. اوّلی را اعنات و دومی را التزام می‌خواند و در مبحث التزام، از شعر کاتبی که "شتر و حجره" را التزام کرده، یاد می‌کند (نجف‌قلی میرزا، ۱۳۶۲: ۱۱۲) سیروس شمیسا در نگاه تازه به بدیع اعنات را در زمره تکرار گنجانیده، اگرچه نمونه‌هایی که او ارائه می‌دهد، متفاوت از نمونه‌های پیشین است، اما قاعده همان است که بود، یعنی به جای تکرار "شتر و حجره"، از تکرار "شمس‌الدین" در غزل مولانا سخن می‌گوید (شمیسا، ۱۳۸۱: ۸۴)

«در انگلیسی لئوناین رایم (Leonine rhyme) اعناتی است که به‌موجب آن کلمه پیش از وقفه با آخرین کلمه در همان سطر هم قافیه می‌شود... این قسم اعنات در انگلیسی نوعی قافیه داخلی یا تصریح محسوب می‌شود و وجه تسمیه آن نام شاعری فرانسوی به نام Leo بوده است که اشعار لاتینی خود را با رعایت چنین التزامی سروده است.» (داد، ۱۳۷۸: ذیل اعنات)

از این مقوله که بگذریم، اهمیت این صنعت در زبان ادبی، در حد تکلفی غیر واجب و اقدامی ناضوری به شمار می‌رفته است. این نکته را می‌توان از نام‌گذاری‌های یاد شده و هم‌چنین نام‌های دیگری چون "تضییق" و حتی "تکرار" که دکتر شمیسا به آن اشاره کرده است (شمیسا، ۱۳۸۱: ۷۹) به‌خوبی دریافت.

مصداق‌های التزام در نقد ناقدان

التزام‌های دشواری که در کار شاعری تکلیف می‌شد، نوعی از آزمون‌های شاعرانه بود و التزام به ردیف‌های سخت، آزمونی دشوارتر بوده است؛ مانند امتحانی که از دهقان علی شطرنجی ذکر شده است. عوفی گوید: «در ماوراءالنهر آن روز که خورشید به حوت آید، همان روز لک‌لک بدان دیار آید و خلقی به رسیدن او شادی کنند و او را مبشر قدموم بهار خوانند. دهقان علی را امتحان کردند که قصیده «لک‌لک» ردیف پرداخت در غایت لطف و آنگاه ایاتی چند که در خاطر داشت به تحریر آورد (عوفی، ج ۲، ص ۱۹۹-۲۰۰) و محمد بن عمرالفرقدی قصیده‌ای گفت به امتحان افاضل، ردیف "تیغ و قلم" و سخت لطیف:

کس از ملوک جهان یادگار تیغ و قلم نبوده است مگر شهریار تیغ و قلم

(همان، ج ۲: ۳۱۲)

نمونه دیگر، قصاید غزای کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی (شهادت ۶۳۵ق) است که گروه از شاعران در شاعری وی تردید روا داشتند و بارها او را با ردیف‌های دشوار چون «اسب» و «انگور» آزمودند. تردید در شاعری شاعران تا این سال‌های اخیر که هر ناشاعری را در جرگه شاعران راه نبود، معمول بوده است. این آزمون‌های دشوار، وسیله مطمئنی بود برای آنکه هر شاعر کم‌استعدادی، راه نفوذ و رسوخ در صف شعرای بزرگ در دربار سلاطین را نجوید و توفیق راه یافتن به دربارها، شاعرانی را دست دهد که جودت ذهن و صفای ذوق با تحصیلات متمدای و زحمت بسیار در کسب دانش همراه کرده بودند. بدعت نجف‌قلی میرزا در دره نجفی این است که بحث اعنات در قافیه را با مبحث تکرار، جدا می‌کند. اولی را اعنات و دومی را التزام می‌خواند و در مبحث التزام، از شعر کاتبی که "شتر و حجره" را التزام کرده، یاد می‌کند (ر.ک: نجفقلی میرزا، ۱۳۶۲: ۱۱۲) استاد همایی، برای نوع نخست، از قافیه شمایل و قبایل شعر سعدی:

چشم بدت دور ای بدیع شمایل ماه من و شمع جمع و میر قبایل

مثال می‌آورد (همایی، ۱۳۶۷: ۷۵) و برای نمونه دومی، به یکی از مثال‌های شمس قیس اکتفا می‌کند. دکتر کزازی، با توجه به مثال همایی، برای نمونه نخست، علاوه بر اشاره به «پاس داشت» حرف واو در یکی از قصاید ناصر خسرو (بنگر بدین رباط و بدین صعب کاروان)، از بیت حافظ که نسخه‌برداری دیگری است از سخن همایی و در آن شمایل و قبایل هست (چشم بدت دور ای بدیع شمایل)، نمونه می‌آورد (کزازی، ۱۳۷۳: ۸۵) برای نمونه دوم نیز اشاره او، تکرار مثل دیگران است، مانند مور و موی و حجره و شتر (همان: ۸۷) که پیش از این، اشاره‌وار از آن گذشتیم. سیروس شمیسا، از عبارت تکرار که در میان تشریح سخنان بلاغیون پیشین بود، بهره گرفته، در نگاه تازه به بدیع، بحث اعنات را در زمره مباحث دیگر، ذیل عنوان تکرار گنجانده است. اگرچه نمونه‌هایی که او ارائه می‌دهد، متفاوت از نمونه‌های پیشین است؛ اما قاعده همان است که بود به همین ترتیب می‌توان به کتاب‌های دیگر، مانند: جواهرالبلاغه (هاشمی، ۱۳۷۰: ۴۰۷)، بدایع الافکار (واعظ کاشفی، ۱۳۶۹: ۱۰۲)، حدایق‌السحر (وطواط، ۱۳۶۲: ۲۹)، بدیع (فشارکی، ۱۳۷۴: ۶۲)، معالم‌البلاغه (رجایی شیرازی، ۱۳۵۹: ۴۱۸)، ابدع‌البدیع (گرگانی، ۱۳۷۷: ۷۰)، بدیع از دیدگاه زیباشناسی (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۹: ۳۹)، آشنایی با علم بدیع (خان‌محمدی، ۱۳۸۴: ۱۹۶)، بلاغت، معانی، بیان و بدیع (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۴۳) آرایه‌های ادبی (فضیلت، ۱۳۸: ۲۵) و... نیز اشاره کرد.

التزام «شتر» و «حجره»

شترحجره (در اصل شتر و حجره) و هر آن دو شیء که با هم نامناسب و مخالف باشند و آن کنایه از امر ممتنع‌الوقوع باشد:

«شتر در حجره از گرماست پنهان شترحجره است حرف ساربانان»

(میر یحیی کاشی؛ به نقل از: دهخدا، ۱۳۷۹: ذیل شترحجره)

شتر و حجره دو کلمهٔ دور از یکدیگرند که از قرن نهم به بعد به ترکیبی مشهور تبدیل شدند، چنانکه علی‌اکبر دهخدا در لغت‌نامه گوید: «شتر حجره، نام قصیده‌ای از کاتبی که در هر بیت "حجره و شتر" را التزام کرده است و بسیاری از شعرا او را تقلید و تتبع نموده‌اند (همان: ذیل حجره) از این کلام چنین برمی‌آید که نخستین کسی که التزام "شتر حجره" را در شعر فارسی به کار برد، شمس‌الدین محمد بن عبدالله کاتبی نیشابوری (وفات ۸۳۹ ق) است. ذبیح‌الله صفا در مورد التزام در شعر کاتبی ترشیزی می‌نویسد: «کاتبی در این قصاید التزامات دشواری می‌کند، حتی التزام «شتر حجره» و این التزام دشوار را چند تن از شاعران قصیده‌گوی قرن نهم نیز کرده‌اند... و کاتبی در تمام مصراع‌های قصیده، در تشبیب آن و در مدح و دعا، دو کلمهٔ شتر و حجره را آورده و هر جا توانسته است به نحوی مضمونی با آن آفریده است. (صفا، ۱۳۸۹، ج ۴: ۲۳۷) در تذکرهٔ لطایف الخیال آمده است «قصیدهٔ شتر حجره که خصم شتردل را در حجرهٔ رشک زاویه‌نشین کرده، در منقبت، به این طریق که در هر مصرع شتری و حجره درج کرده» (دارابی اصطهباناتی، ۱۳۹۱: ج ۲: ۲۸۳) قصیدهٔ «شتر حجره» کاتبی با این ابیات آغاز می‌شود:

| | |
|-------------------------------------|-------------------------------------|
| مرا غمی است شتروارها به حجرهٔ تن | شتردلی نکنم غم کجا و حجرهٔ من؟ |
| گریزم از شتران سپهر و حجرهٔ خاک | که حجره راست شترهای مست پیرامن |
| دلا مجو شتردهر و حجرهٔ گردون | چرا که این شتر مست حجره‌ای است کهن |
| چه نقش اسب و شتر بر جدار حجره کشی | شتر میند که این حجره نیست جای وطن |
| شتر به هرزه مران یاد کن ز حجرهٔ گور | که حجره چون شتر کور باز کرده دهن |
| اجل ز حجره تو را رخت بر شتر بندد | گرت چو زنگ شتر حجره روست یا آهن |
| شتر ز حجره مکر جهان جهان که ز مکر | سخن به حجره ز صلح است و بر شتر جوشن |

(کاتبی نیشابوری، ۱۳۸۲: ۱۳؛ به نقل از: یار شاطر، ۱۳۳۴: ۱۳۱)

«او در یک قصیدهٔ چهل‌وهشت بیتی، در هر بیت دو کلمه مستبعد "شتر و حجره" را به کار گرفت. کاتبی همچنین سه مثنوی سرود که یکی از آن‌ها دارای ذوقافیتین است و دیگری از دو وزن به طور هم‌زمان بهره گرفت (ذوبحرین) و دیگری در هر بیت قافیه و جناس را دو بار تلفیق کرده و در پایان هر مصراع آورده است... این حسام از مشتاقان کاریست صنایع بدیعی در شعر بوده و قصیده‌ای مطول سرود که در هر بیت آن حدود شش تا هفت التزام دشوار به کار بست. بعضی از صنایع بدیعی او حقیقتاً خارج از توان بشری است. اهلی شیرازی که با مثنوی‌های کاتبی به چالش و رقابت افتاد، مثنوی عجیبی به نام "سحر حلال" ترتیب داد که هر سه التزام کاتبی را در هر یک از ابیات آن یعنی دو بحرین، ذوقافیتین به اضافه یک جناس، گنجانده، این‌ها باز جای اعجاب نداشت، چون وی سه قصیدهٔ طولانی به نظم آورد که در هر یک از آن‌ها می‌توان ابیات فرعی بیرون کشید که حاوی همهٔ

صور صنایع بدیعی و لفظی است... این زورورزی‌ها که متضمن مهارت و عمل زیادی بود، مورد تمجید قرار گرفت و تعدادی از شعرا، چیره‌دستی خود را در این زمینه آزمودند. لطف‌الله نیشابوری مثنوی سرود و در آن خود را ملزم ساخت به اینکه از چهارگل، چهار جواهر، چهار سلاح، چهار رنگ، چهار روز و چهار عنصر نام ببرد بدون اینکه مفهوم و معنی آن‌ها بر شعر تحمیل گردد. دولت‌شاه از یک شاعر هم‌دوره خود، سیمی نیشابوری، نام می‌برد که مبادرت به چنین کاری کرد ولی پس از یک سال تلاش، موفق نشد. در حالی که تعداد معتناهایی از شاعران سرودن به سبک نسبتاً بی‌قید و بند اوایل دوره تیموری را ادامه می‌دادند، شاعرانی که متمایل به «اصالت» در شعر بودند به بهره‌گیری مفرط از صنایع بدیعی روی آوردند» (کمبریج، ۱۳۸۰، ج: ۱، ۵۶۸)

اما حقیقت این است که پیش از کاتبی، خواجوی کرمانی شاعر قرن هفتم و هشتم هجری (وفات ۷۵۲ق) قصیده‌ای در مدح شیخ ابواسحاق گفته و در آن دو کلمه «شتر و حجره» را در ۴ بیت آن التزام کرده و آن‌ها را در ردیف قصیده آورده است:

به نوروزی بیایارایارا اشتر و حجره

که آریند از بهر تماشا اشتر و حجره

مران چون صالح و یوسف حدیث از ناقه و زندان

که نبود پاییند مرد دانا اشتر و حجره

ز ابر چشم گوهر بار و موج قلزم طبعم

کشید سیاره در لؤلؤی لالا اشتر و حجره

به یاد منزل مألوف و روی یار گل‌رویم

نگر چون باد صبح و روی صحرا اشتر و حجره

رفیقان را به دشت و شهر بین کز سرعت طیبت

زمین فرسا شده است و جنت آسا اشتر و حجره

چو طاووس است در جولان و باغ خلد در نزهت

به دوران جمال دین و دنیا اشتر و حجره

(خواجوی کرمانی، ۱۳۷۴: ۱۲۵)

در مقام نخل‌بندی و بهره‌مندی او از آرایه‌های بدیعی و تصاویر شاعرانه، می‌توان با نگاه کلی «به» قصیده معروف و موسوم به «شتر حجره» مشاهده نمود. قصیده‌ای پرآوازه و برجسته که بسیاری آن را باز آفریده و سروده‌اند، اما سروده خواجو در مقایسه با سروده‌های دیگر به روانی و چیره‌دستی هنرمندانه‌ای به رشته نظم درآمده است. از ویژگی‌های هنر خواجو در این قصیده، یکی آن است که در سراسر قصیده دو واژه «شتر» و «حجره» را که ناساز و رمنده از یکدیگر می‌نماید، به شاعرانه‌ترین صورت ممکن در کنار هم به کار گیرد. اگر کسی بتواند چنین هنری را در شعر به کار بندد، بی‌گمان شاعری تواناست. از دیگر خصوصیات «شتر حجره» خواجو روانی و شیوایی سخن و موسیقی کلام او در این سروده است. همچنین تشبیهات و استعارات و ترکیبات تازه و استفاده از آرایه‌های متنوع بدیع لفظی و معنوی؛ به طوری که نگاه هر صاحب‌ذوقی را به خود جلب می‌نماید.» (مدیری، ۱۴۰۱:

از سویی، امکان ایجاد معانی متعدّد و متنوع با استفاده از ردیف‌های اسمی در مقایسه با ردیف‌های فعلی، کم‌تر است؛ به همین دلیل، شاعران توانا قدرت شاعری خود را در ردیف‌های اسمی به رخ کشیده‌اند که خواجوی کرمانی از این شیوه بیشتر بهره برده و به‌خوبی از عهدهٔ سرودن قصیده با ردیف «اشتر و حجره» برآمده است؛ البته گویا شاه ابواسحاق اینجو برای سنجش میزان توانایی وی، این ردیف شعری را برگزیده که خواجو در پایان با اغتنام فرصت از او «اشتر و حجره» طلب کرده است (خواجوی کرمانی، ۱۳۷۴: ۱۲۶) آری از فحوای قصیدهٔ خواجو چنین برمی‌آید که ابواسحاق اینجو «ز راه امتحان» این ردیف شعری را از خواجو تمنا کرده است:

شه گردن‌کش عادل ابواسحاق دریادل که کمتر چاکرش بخشد گدا را اشتر و حجره
... ز راه امتحان دارای ملک‌بخش ملک آرا ردیف شعر کرد از من تمنا اشتر و حجره
(همانجا)

اینکه چرا ابواسحاق دو کلمهٔ مستعبد را به عنوان ردیف درخواست کرده شاید دلیل آن باشد که اولاً وی به‌خوبی می‌دانسته که سرودن شعر با دو کلمهٔ نامأنوس مثل شتر و حجره دشوار است، دوم آنکه در قرن هشتم و نهم دشوارگویی خواهان داشته، چنانکه عبدالحسین زرّین‌کوب می‌نویسد: «از همین روست که گفته‌اند زیبا عبارت است از امر دشوار» (زرّین‌کوب، ۱۳۸۸: ۹۸) این کلام مرحوم زرّین‌کوب برگرفته از سخن افلاطون است که او اشاره می‌کند که «زیبایی دشوار است» (افلاطون، ۱۳۸۱: ۶۹۱)

از دیگر کسانی که تتبع خواجوی کرمانی یا کاتبی نیشابوری کرده‌اند «امین‌الدین نزل‌آبادی» است. او در شاعری با "کاتبی" رقابت داشت. «دولت‌شاه سمرقندی در تذکره‌الشعرا ذیل معرفی شاعران طبقهٔ هفتم، از شاعری به نام "امیر امین‌الدین نزل‌آبادی" نام می‌برد و او را چنین معرفی می‌کند: "انواع فضیلت و حسب با نسب سیادت ضمّ داشت و نزل‌آباد از اعمال بی‌هق است و امیر امین‌الدین مرد ظریف و خوش طبع بود. با مولانا کاتبی و خواجه علی شهاب در شاعری دعوی می‌کند. گویند که جمعی از شعرا و فضلا تحسین قصیدهٔ شتر حجرهٔ مولانا کاتبی می‌فرمودند، امیر امین‌الدین در بدیهه این قطعه بگفت:

اگر کاتبی در سخن گه‌گهی بلغزد بر او دق نگیرد کسی
شتر حجره را گر نکو گفته لیک شترگره‌ها نیز دارد بسی»

(سمرقندی، ۱۳۸۲: ۴۵۰-۴۵۱)

در جلد پنجم فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی قم به نسخهٔ خطی اشاره می‌کند (شمارهٔ ۵۱۰۲-۲۵/۱۹۲) به نام "شتر حجره" که شعری است از شاعری با تخلص "کاشفی" (صدرایی و همکاران، ۱۳۸۸، ج ۵: ۲۳۷۸)

بدر شروانی معاصر و معارض مولانا کاتبی نیز صاحب شتر حجره است و در سال ۸۳۰ بوده است (انصاری، ۱۳۸۶: ۲۷۱) همچنین در تذکرهٔ روز روشن نیز از "بهشتی حصار" یاد می‌کند که «معاصر امیر علی شیر است، تتبع حجرهٔ ملاکاتبی کرده:

چه پروری شتر نفس را به حجرهٔ تن شتردلی است که در حجره پروری دشمن
شتر شتر غمش آمد به حجرهٔ دل من شتر به حجره نیاورده است کس چون من

نمی‌کشد شتر بخت سر به حجره ما
 خیال شعر شتر حجره در نظر داری
 شتر چگونه درآید به حجره سوزن
 شتر به حجره نمی‌آید از ره روزن»
 (صبا، ۱۳۴۳، ج ۱: ۱۲۴)

مولانا محمد بن حسام‌الدین حسن بن شمس‌الدین محمد خوسفی مشهور به ابن حسام (وفات ۸۷۵ق) نیز قصیده‌ای دارد که با التزام شتر حجره سروده شده، این قصیده با ابیات زیر آغاز می‌شود:

شترسوار قضا می‌رسد به حجره تن
 شتر ز حجره دل دور کن که نزدیک است
 جامی (وفات ۸۹۸ق) نیز قصیده‌ای با التزام «شتر و حجره» دارد که در تمامی مصراع‌های ۴۷ بیت آن این دو کلمه تکرار می‌گردد:

نگار من شتر انگیخت رو به حجره من
 ز حجره چون شترش دیده شد قطار سرشک
 زند ز حجره مرا سیل خون دل شترک
 چگونه بی برم از حجره راست تا شترش
 زند به حجره درون زان شترسوار نفس
 پذیره شترش رفت جان ز حجره تن
 چو سرخ‌مو شتران قطعه زد ز حجره من
 ز حجره کی شترش را رسم به پیرامن
 که تا ویم بود از حجره صد شتر گردن
 به بام حجره بود از شتر نشان جستن
 (جامی، ۱۳۷۸: ۴۳۱)

بدرالدین (نورالدین) هلالی جغتایی استرآبادی (وفات ۹۰۸ق) هم شتر حجره‌ای دارد که در تمامی مصراع‌های ۲۲ بیت آن قصیده "شتر" و "حجره" تکرار می‌گردد:

شتر کشیدی اگر بار دل ز حجره تن
 شتر به باد رود، حجره نیز خاک شود
 اجل به حجره گیتی عجب شترجانی است
 به حجره و شتر ارکان دین چو قایم نیست
 شتر به حجره بران تا در مدینه که هست
 ز حجره و شتر آن جناب منفعل است

شده نزار شتر زیر بار حجره من
 گرت شتر بود از سنگ و حجره از آهن
 که مجمل شتر اوست حجره‌های بدن
 قوائم شتر و رخت حجره را بشکن
 در آن زمین شتر و حجره رسول زمن
 کلیم با شتر طور و حجره ایمن

حسامی خوارزمی قراکولی (وفات ۹۱۱ق) از شاعران قرن دهم ناحیه خوارزم، میل به آرایش سخن و استفاده از صنایع پیچیده و دشوار لفظی و معنوی دارد. یکی از التزام‌های که در زمان حسامی به یک نوع سبک شعر مبدل شده بود، «قصیده شتر حجره» است که او جهت نمایش هنر و مهارت خود از آن استفاده کرده است. قصیده شتر حجره حسامی ۴۲ بیت دارد و در دیوان او با این مطلع آمده است:

مرا هزار شتر خار و خس به حجره تن
 شتردلی مکن آتش بزن به حجره تن
 همچنین ردیف‌های التزامی "اشتر و اسب و گاو و خر"، "بیدار شو، بیدار شو"، "قلندر شو، قلندر شو"، "تلا لا تلا لا لا تلالی"، "کلیم دیدی نیامد"، "فافیه‌های رفیقی"، "شفیقی" و دیگر کلمه‌های هماهنگ مرادف، آغاز مصراع‌ها با "سلام الله سلام الله" و غیره یک نوع هنر شاعری و آزمایش طبع در آن زمان و در نزد حسامی بوده‌اند. او در حقیقت با این کلمات و ترکیبات التزامی ظاهرنامی هنری نمی‌کند و سخن هزل‌آمیز نمی‌گوید، بلکه در اشکال دشوار معانی حدی مذهبی و نظر خاص تصوّفی خود را بیان کرده است. (شریف‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۷۷)

در بدایع الوقایع واصفی آمده است: «امیر علی شیر شاعران را فرمود که قصیده شتر حجره کاتبی را جواب گویند. مولانا احمدی آن قصیده را به مدح امیر علی شیر تمام کرد. به وقت خواندن چون به این بیت رسید که:

به پیش حجره تو چون شتر زنم زانو اگر ز حجره چو اشتر برون کنی گردن
امیر فرمودند که: ای مردک تو مرا هجو کرده‌ای، فرمود که او را بر بسته در حوض آب انداختند و او را همچون سگ تر ساختند. در لب حوض گربه‌ای بود، در حوض افتاده غوطه خورد. چون احمدی سر از آب برآورد و گربه را به آن حال دید، فریاد برکشید که: ای امیر این گربه نیز قصیده شتر حجره را جواب گفته؟ میر خندان شد و او را بخشید. هوا سرد بود، پوستینی به او انعام فرمود. احمدی از برای آن پوستین قصیده‌ای گفت، مطلع آن قصیده آن بود که:

مرا یک پوستین انعام از آن میر کلان آمد که از بوی بدش شهری به فریاد و فغان آمد
چون این مطلع به میر رسید در بدیهه فرمود که:
تورا ز آن پوستین انعام کان بوی گران آمد تو بودی در میان پوستین، آن بوی از آن آمد»

(واصفی، ۱۳۴۹، ج ۲: ۳۵۲-۳۵۳)

محمدحسین ضیاء اصفهانی از شعرای قرن سیزده و معاصر فتح‌علی شاه قاجار نیز تتبعی کرده و قصیده‌ای با مطلع زیر سروده که در آن «حجره و شتر» را التزام نموده است:

«به حجره‌ام شتر آورد سرو سیمین‌تن درون حجره تنگم شتر نمود وطن»
(صراف‌نژاد، ۱۳۸۵: ۷۰)

در جنگ اشعار شماره ۷۵۹۴ کتابخانه مجلس شورای اسلامی که در سال ۹۰۲ قمری کتابت شده، شعری با التزام «شتر و حجره» در هر بیت وجود دارد که به احتمال فراوان از «سلمی تونی» است:

«بار تو می کشم چو شتر بر دل این نگار کس را درون حجره دل نیست جز تو یار
و شعری دیگر نیز پیاپی آمده که ردیف آن «اشتر و حجره» است:

نگارا روز عید آمد بیارا اشتر و حجره که با زینت بود زیبا و رعنا اشتر و
(جنگ ۷۵۹۴: برگ ۱۷۳ و ۱۷۴)

التزام «حجره»، «شتر» و «پشه»

در کتاب دانشمندان آذربایجان آمده است «ناجی اردوبادی از سخنوران نامی است چندی ساکن تبریز بود و در اواخر عمر به هند رفته و در آنجا بدرود زندگانی گفته است؛ در جواب قصیده «شتر حجره» کاتبی یک «پشه» اضافه کرده و خوب از عهده برآمد، مطلعش این است:

بس است پشه فکرم شتر به حجره تن که پشه کار شتر می کند به حجره من

(تریبت، ۱۳۷۳: ۳۷۰)

التزام «حجره»، «شتر» و «گربه»

میرزا محمد حسین شعاع شیرازی، متخلص به «شعاع» و ملقب به «شعاع‌الملک» از ادیبان، نویسندگان و شاعران بزرگ عهد قاجار و اوایل دوره پهلوی (وفات ۱۳۶۳ق) دشوارترین کار را در التزام سه کلمه «حجره، شتر، گربه» در تمامی ابیات انجام داده، اگرچه این قصیده تصنعی می‌نماید. وی که قصیده‌پرداز ماهر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی است و هنوز دیوان اشعارش منتشر نشده

است، قصیده‌ای مسمّی به «شتر گربه» دارد که در هر مصرع ۱۵ بیت آن «گربه، شتر و حجره» را التزام نموده است:

چو گشته است شتر گربه کارِ حجره تن
شود به حجره در بسته گربه گر چو شتر
برون چو گربه کن از حجره، کینه شتری
شتر چو گربه نباشد مرا به حجره فکر
ز بهر خدمت گربه مخوان به حجره شتر
شتر به گربه اگر شد سوار و حجره به باد
... ز حجره و شتر و گربه جوی تاریخش

به جای گربه نشیند شتر به حجره من
اسیر گربه چرا شد شتر به حجره تن؟
مکن چو گربه در این حجره شتر مسکن
چو شد مرا شتر صبر حجره گربه شکن
شتر به حجره گربه است موش پیرامن
ز حجره گربه برون شد شتر گر از روزن
که نام شد به شتر گربه هجر حجره من
(شعاع شیرازی، برگ ۳۰ پ و ۳۱ ر)

شاید شعاع سه کلمه «شتر و حجره و گربه» را از بیت میانی همان قصیده «شتر حجره» جامی اخذ نموده که گفته است:

ربود حلیم شتر حجره کرد گربه غم
ز حجره ام ز شتر گربه‌های دور زمن
(جامی، ۱۳۷۸: ۴۳۱)

شایان ذکر است که «شتر گربه یعنی نازیا، نامتناسب» (دهخدا، ۱۳۷۹: ذیل شتر) شعاع از این گونه طبع‌آزمایی‌ها و التزام‌ها دارد، مثل التزام «ماه» و «آفتاب» در قصیده‌ای ۲۲ بیتی که در مدح نواب کامیاب «ملک منصور میرزای شعاع‌السلطنه»، حکمران مملکت فارس سروده، با مطلع زیر:

ای به قد چون سرو ناز و ای به رخ چون آفتاب
ماه روی خویشان را بیش از این از ما متاب!
ماه گاهی رخ نهان می‌دارد از مهر منیر
لیک نشنیدم نهان از ماه گردد آفتاب
آفتاب و ماه رخ پنهان کنند از روی شرم
ماه من از پرده روزی گر در آبی بی‌حجاب
تاب دل‌ها برده از تاب هوای ماه‌رو
آفتابا رو متاب از ما که ما را نیست تاب
بی‌نقاب از پرده بیرون شو دمی ای ماه‌چهر!

تا رود از شرم رویت آفتاب اندر نقاب

(شعاع شیرازی، برگ ۷۶ ر)

التزام «حجره»، «شتر» به علاوه «آب»، «باد»، «خاک» و «آتش»

در جلد نهم الذریعه إلی تصانیف الشیعه آقابزرگ تهرانی از نسخه خطی دیوان واصفی هروی و دیوان بهشتی حصاری یاد می‌کند که شتر حجره را از کاتبی تتبع کرده‌اند (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹: ۱۲۴۹) در بدایع الوقایع نیز ذکر واصفی آمده که «مولانا واصفی ایشانند که صاحب خمسّه محیره‌اند که تعریف آن به عرض شما رسیده بود و قصیده شتر حجره کاتبی را جواب فرموده و در هر بیت عناصر اربعه را زیاده کرده» (واصفی، ۱۳۴۹، ج ۱: ۹۵) ابیات نخستین آن قصیده چنین است:

ببند بر شتر باد خاک حجره تن
 برون حجره حاکم چه سود یک شتر آب
 شتر ز حجره رود همچو باد آتش خشم
 ز باد و آتش دوران شتر به حجره کشم
 ز باد دم شتر آتش حجره افروزد
 شتر در آب فنا ران و حجره آتش زن
 به حجره صد شتر آتش ز تندبادِ فتن
 ز بس کشد شتر از آب و خاک حجره محن
 که خود کشیده شتر آب و خاک حجره من
 شتر به حجره خاک آب بخشدم ز لبن

(همان، ۱۰۵)

شاید این نوع تتبع یعنی التزام چهار عنصر تحت تأثیر قصیده‌ای از لطف‌الله نیشابوری باشد که وی چهار عنصر را در هر مصراع قصیده التزام کرده است:

خاک بر بادیم ای آتش عذار آبدار
 در سرای آب و خاکم آتش دل رست
 از هوا در آتشم این خاک ره را آب ده
 خاکیان را آتش افروزد چو باد از کار آب
 رو چو باد این خاکیان را آب آتش‌وش بیار
 باد دان این خاکدان را، آب بر آتش گمار
 سرد شد از باد آب، این خاکیان را آتش آر
 همچو دهقان را ز خاک و باد و آتش آب کار
 (نیشابوری؛ به نقل از: یار شاطر، ۱۳۳۴: ۱۳۲)

نتیجه‌گیری

این پژوهشگر با بررسی موارد پیروی شده از خواجوی کرمانی که در آن التزام («شتر حجره») مورد توجه بوده است به نتایج زیر دست یافت:

طبع‌آزمایی با التزام‌های دشوار مانند «شتر حجره» امتحانی برای خودآزمایی شاعر یا دستور حاکم یا رقیب شعری شاعران شمرده می‌شده است.

اغلب ناقدان بلاغی نخستین سراینده شتر حجره را کاتبی نیشابوری دانسته‌اند در حالی که با توجه به موارد مذکور در این مقاله، خواجوی کرمانی پیش از وی به تمنای ابواسحاق اینجو چنین التزامی را ساخته و پرداخته کرده است.

چنین که ذکر آن به میان آمد علاوه بر درخواست ابواسحاق اینجو، با توجه به آنچه در بدایع الوقایع آمده است: امیر علی شیر نوایی که خود از سیاستمداران و نویسندگان بزرگ دوره تیموری است شاعران را فرمود که قصیده شتر حجره کاتبی را جواب گویند بنابراین یکی از علل تتبع شاعران مختلف، همین دستور بزرگان است.

تکلف با استفاده از صنایع لفظی و معنوی یکی از خصوصیات شعر دوره تیموری و قرن نهم بوده است و اعنات یک نوع هنرنمایی است که در اشعار مصنوع جا دارد و از همین روست که گفته‌اند زیبا عبارت است از امر دشوار.

- الف) کتاب‌ها
- قرآن کریم
 - آقابزرگ تهرانی، محمدحسین (۱۴۰۳ق) الذریعه إلى تصانیف الشیعه، به سعی احمد بن محمد حسینی، جلد نهم، بیروت: دار الأضواء.
 - ابن‌حسام، محمد (۱۳۶۶) دیوان اشعار، به اهتمام احمد احمدی بیرجندی و محمد تقی سالک، مشهد: سازمان حج و اوقاف و امور خیریه.
 - افلاطون (۱۳۸۱) مجموعه آثار افلاطون، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران: خوارزمی، چاپ سوم.
 - انصاری، ابوالقاسم بن ابی‌حامد (۱۳۸۶) سلم السماوات، به تصحیح عبدالله نورانی، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
 - تربیت، محمدعلی (۱۳۷۳) دانشمندان آذربایجان، تبریز: فخر آذر.
 - تفتازانی (۱۴۲۶) مختصر المعانی، قم: دارالفکر.
 - جامی، عبدالرحمن (۱۳۷۸) دیوان اشعار، به تصحیح اعلاخان افصح‌زاد، تهران: مرکز مطالعات ایرانی.
 - جنگ اشعار (۹۰۲ق) تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۷۵۹۴.
 - خان‌محمدی، محمدحسین (۱۳۸۴) آشنایی با آرایه‌های سخن، علم بدیع، ج ۱، قم: مهر امیرالمؤمنین.
 - خطیب قزوینی (۱۹۹۷م) التلخیص فی علوم البلاغه، به کوشش دکتر عبدالحمید هندای، قاهره: دارالکتب العلمیه.
 - خواجوی کرمانی، کمال‌الدین ابوالعطاء محمود (۱۳۷۴) به کوشش سعید قانعی، تهران: انتشارات بهزاد.
 - داد، سیما (۱۳۷۸)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: مروارید، چاپ چهارم.
 - دارابی اصطهباناتی، محمد بن محمد (۱۳۹۱) تذکره لطایف الخیال، به تصحیح یوسف بیگ‌باباپور، قم: مجمع ذخائر اسلامی.
 - دولت‌شاه سمرقندی، (۱۳۸۲) تذکره الشعراء، به اهتمام ادوارد برون، تهران: اساطیر.
 - دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۹) امثال و حکم، جلد دوم، تهران: امیرکبیر.
 - رجایی شیرازی، محمدخلیل (۱۳۵۹) معالم البلاغه، ج ۱، شیراز: دانشگاه شیراز.
 - شعاع شیرازی، محمدحسین (اشعار تاریخی یا ماده تاریخ)، نسخه خطی شماره ۲۹۹، تهران: کتابخانه دانشگاه تهران، بخش کتب هدایی علی‌اصغر حکمت.
 - شمس قیس رازی (۱۳۶۰) المعجم فی معاییر اشعار العجم، به کوشش علامه قزوینی، ج ۳، تهران: کتاب‌فروشی زوار.
 - شمیسا، سیروس (۱۳۸۱) نگاه تازه به بدیع، ج ۱۴، تهران: فردوس.
 - صبا، محمد مظفر حسین بن محمد یوسفعلی (۱۳۴۳) تذکره روز روشن، به تصحیح محمدحسین رکن‌زاده آدمیت، تهران: کتابخانه رازی.
 - صدرایی خویی، علی، درایتی، مصطفی، حافظیان، ابوالفضل (۱۳۸۸) فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی گلپایگانی قم، تهران: مجلس شورای اسلامی.
 - صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۹) تاریخ ادبیات در ایران، ۸ مجلد، تهران: انتشارات فردوس، چاپ سیزدهم.
 - عوفی، محمد (۱۳۲۴) لباب الالباب، به سعی ادوارد برون، لیدن هلند: بریل.
 - فشارکی، محمد (۱۳۷۴) بدیع، تهران: نیل.
 - فضیلت، محمد (۱۳۸۴) آرایه‌های ادبی، کرمانشاه: طاق‌بستان.
 - کاتبی ترشیزی، محمد بن عبدالله (۱۳۸۲) دیوان اشعار، به تصحیح تقی وحیدیان، سعید خومحمدی خیرآبادی، مجتبی جوادنی، مشهد: آستان قدس رضوی.
 - کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۷۳) بدیع، تهران: مرکز.
 - کمبریج (۱۳۸۰) تاریخ ایران، جلد یکم، به سعی یعقوب آژند، تهران: جامی.
 - گرگانی، شمس‌العلماء (۱۳۷۷) ابداع البدایع، به اهتمام حسن جعفری، تبریز: احرار.
 - مازندرانی، محمدهادی (۱۳۷۶) انوارالبلاغه، به کوشش محمدعلی غلامی‌نژاد، ج ۱، تهران: قبله و میراث مکتوب.
 - محمّدی، محمدحسین (۱۳۸۷) بلاغت، معانی، بیان و بدیع، تهران: زوار.
 - نجفقلی میرزا (۱۳۶۲) درّه نجفی، به کوشش حسن آهی، ج ۱، تهران: فروغی.
 - واصفی، محمود بن عبد الجلیل (۱۳۴۹) بدایع الوقایع، گردآورنده الکساندر بلدروف، جلد ۲، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

- واعظ کاشفی، کمال‌الدین (۱۳۶۹) بدایع الافکار فی صنایع الاشعار، به کوشش دکتر میرجلال‌الدین کزازی، ج ۱، تهران: مرکز.
 - وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۹) بدیع از دیدگاه زیباشناسی، ج ۱، مشهد: دوستان.
 - وطواط، رشیدالدین (۱۳۶۲) حدایق السحر فی دقایق الشعر، به کوشش عباس اقبال آشتیانی، ج ۱، تهران: کتابخانه طهوری.
 - هلالی جغتائی، بدرالدین (۱۳۶۸) دیوان اشعار، به تصحیح سعید نفیسی، تهران: کتابخانه سنایی.
 - هاشمی، احمد (۱۳۷۰) جواهرالبلاغه، جلد سوم، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
 - همایی، جلال‌الدین (۱۳۶۷) فنون بلاغت و صناعات ادبی، جلد چهارده، تهران: هما.
 - یار شاطر، احسان (۱۳۳۴) شعر فارسی در عهد شاهرخ، تهران: دانشگاه تهران.
- (ب) مقالات
- خان محمدی، علی‌اکبر؛ کزازی، میرجلال‌الدین، دادبه، اصغر (۱۳۷۰) «طرز سخن خواجه» کیهان فرهنگی، شماره ۷۷، صص ۲-۱۰.
 - ذبیحی، رحمان، نورایی، الیاس، جلوداری، یونس (۱۳۹۲) «تأثیرپذیری ابن‌حسام خوشفی در قصیده و غزل، از شاعران سبک خراسانی و عراقی، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، شماره ۱۹، صص ۲۰۵-۲۲۴.
 - شریف‌زاده، خدایی (۱۳۹۵) «حسامی خوارزمی و میراث ادبی او»، نشریه پایز، شماره ۲۲، صص ۱۶۴-۱۷۸.
 - صراف‌نژاد، نازیلا (۱۳۸۵) «گنجینه روشنان: شاعری خوشنویس از مکتب بازگشت - گذری بر شرح حال و اثر خطی و سنگ‌نوشته‌های محمدحسین ضیاء اصفهانی»، کیهان فرهنگی، شماره ۲۴۳ و ۲۴۴، صص ۶۶-۷۱.
 - غفاری، نازنین؛ بصیری، محمدصادق؛ مدبری، محمود (۱۳۹۷) «التزامی نو در شعر میرزا کاظم طبیب یزدی»، فنون ادبی، شماره ۲۲، صص ۳۳-۴۶.
 - محمدی، علی (۱۳۹۰) «بدعت التزام در غزل‌های سعدی»، سعدی‌شناسی، شماره ۱۴، ۱۰۰-۱۱۱.
 - مدبری، بهمن (۱۴۰۱) «زیبایی و آراستگی کلام خواجه‌ی کرمانی در تطبیق با نگاره‌های نسخه‌مصور دیوانش، مطالعات هنرهای اسلامی»، صص ۵۴۶-۵۶۳.